

شرح رساله الحقوق

خلاصه جلسه گذشته

در بحث مربوط به حقوقی که انسان بر خودش دارد و اعضای انسان، گفتیم یک حقوقی اعضای انسان بر انسان دارند. اولین حق، حق لسان بود؛ زبان یک حقوقی بر گردن انسان دارد. اولین حقش «اکرامه عن الخنی» بود، یعنی بزرگداشت زبان و مراقبت زبان و حفظ آن از بدگویی و بدزبانی. به مناسبت سخن از بدگویی و بدزبانی گفتیم برخی از مهم‌ترین مصادیق بدزبانی و بدگویی را ذکر می‌کنیم. اولین مورد، غیبت بود که در طی چند جلسه و در آن حدی که لازم بود اشاراتی داشتیم. دومین مورد، کذب و دروغ است. جلسه گذشته گفتیم دروغ با ایمان سازگاری ندارد و قابل جمع نیست؛ همچنین گفتیم پلیدترین و خبیث‌ترین بدی‌ها و گناهان است، باب سایر گناهان است و منشأ بسیاری از گناهان و شرور محسوب می‌شود. این دو نکته را در جلسه قبل بیان کردیم. همانطور که قبلاً هم عرض کردم بنای ما بر این نیست که همه مطالب من الصدر الی الذیل را بگوییم، چون این خودش نیازمند یک سال زمان است. ما فقط آن نکات اساسی را در اینجا ذکر می‌کنیم.

چهار ویژگی شخصیتی دروغگو

چهار خصلت مهم در دروغگو وجود دارد که می‌توانیم بگوییم دروغگو با این خصوصیات قابل اندازه‌گیری است. در واقع این خصلت‌ها بهتر به ما کمک می‌کند که عمق شخصیت آدم دروغگو را بشناسیم. باز به بیان سوم یا چهارم، شخصیت‌شناسی دروغگو را اگر بخواهیم از دید روایات در اینجا ذکر کنیم، می‌توانیم بگوییم دروغگو دارای این چهار خصوصیت و ویژگی است.

ویژگی اول: پستی و حقارت

یکی اینکه آدم پست و حقیری است؛ آدم دروغگو بی‌شخصیت و گرفتار ضعف شخصیتی است. رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةٍ نَفْسِهِ»، دروغگو اگر دروغ می‌گوید نیست الا به دلیل احساس حقارت و احساس خواری خودش. کأن آدمی که دروغ می‌گوید می‌خواهد با این کار کوچکی و حقارت درونی خودش را بیوشاند و برطرف کند و خودش را بزرگ جلوه دهد. بخش مهمی از دروغ‌ها ناشی از همین است. اگر ریشه دروغ این باشد یا شخصیت دروغگو یکی از خصلت‌هایش این باشد و یکی از آن ریشه‌های روانی شخصیت او این باشد و دروغ‌هایش به خاطر این باشد، این فرق نمی‌کند، یک آدم محترم و بزرگی هم به حسب ظاهر دروغ می‌گوید. ممکن است من هم یک وقت برای اینکه جبران حقارت خودم را بکنم، دروغ بگویم و بگویم بله، بنده فلان کار را کردم؛ بنده کسی هستم که آنجا رفته‌ام و فلانی را دیده‌ام؛ من یک آدمی هستم که در سراسر دنیا به من توجه دارند. این ناشی از حقارت است؛ یعنی من در حقیقت آن بعد خواری و حقارت درونی خودم را با این رفتار می‌خواهم پوشش دهم و به قول معروف خودم را بزرگ کنم؛ انسان‌های کوچک معمولاً یکی از کارهایی که می‌کنند برای بزرگ جلوه دادن خودشان، دروغ گفتن است.

ویژگی دوم: بی‌عقلی

دوم، آدم‌های دروغگو بی‌عقل هستند؛ یعنی دروغگویی ناشی از بی‌عقلی است. اگر این چهارتا را کنار هم بگذاریم آن وقت آدم رویش نمی‌شود که به کسی دروغ بگوید؛ اصلاً از خودش خجالت می‌کشد و اساساً به سمت دروغگویی نمی‌رود. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَ إِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاهُ»، آدم عاقل و انسان عاقل دروغ نمی‌گوید ولو تمایل به آن داشته باشد و

هوای خودش و آرزوهای خودش را در آن ببیند. یعنی گمانش این است که دروغ منفعت‌هایی دارد و به خاطر این منفعت‌ها دروغ می‌گوید؛ این منفعت‌ها را برای چه می‌گوید؟ آرزوهای خودش را در این می‌بیند که اگر دروغ بگوید، آنها در دسترس او قرار می‌گیرد. شیطان آدم را وادار می‌کند برای اینکه به آن مقصد می‌خواهی بررسی دروغ بگو. اینجاست که کآن شیطان دست به کار شده و واقعیت را تغییر داده است؛ یعنی یک طوری برای ما جلوه داده که این منفعت توست و منفعت تو در این است که این دروغ را بگویی؛ و ما چون فکر می‌کنیم منفعت ما این است، آن وقت دروغ می‌گوییم. پیامبر(ص) می‌فرماید انسان عاقل دروغ نمی‌گوید؛ چرا؟ چون آدم عاقل مرز بین خیال و واقعیت را می‌داند؛ آدم عاقل فریب واقع‌نمایی شیطان را نمی‌خورد. شیطان، انسان را متوجه می‌کند به سمت چهره‌های کاذب، چهره‌پردازی می‌کند برای ما، آن وقت عقل به معنای حقیقی اگر باشد، می‌فهمد که مرز بین چهره واقعی و چهره دروغین را. اینکه امام کاظم(ع) می‌فرماید آدم عاقل دروغ نمی‌گوید ولو اینکه آرزوهای او و منافع او و امیال او در این دروغ باشد. چون آدم عاقل هم نهایت کار را می‌بیند و هم آخرت را می‌بیند. یکی از آثار آنی که بعداً در آینده خواهیم گفت برای آدم دروغگو، روسیاهی است. بالاخره آدم دروغگو در این دنیا دیر یا زود رسوا و روسیاه می‌شود. آدمی که کمی عقل داشته باشد، دروغ نمی‌گوید چون می‌داند که این سرانجامش رسوایی است. یک چیزهایی در بین عوام به عنوان ضرب‌المثل مطرح است، یکی این است که آدم دروغگو رسوا می‌شود؛ یا می‌گویند دروغگو کم حافظه است؛ اینها همه ریشه‌های روایی دارد که برخی را اشاره خواهیم کرد. چون یکی از آثار آنی که دروغ دارد، نسیان است. به‌رحال دومین ویژگی شخصیتی انسان دروغگو، کم‌خردی و بی‌عقلی است. پس یکی پستی و حقارت است که توضیح دادم؛ دومی هم بی‌عقلی و بی‌خردی است.

ویژگی سوم: ناجوانمردی

سومین خصوصیت، ناجوانمردی است. آدم دروغگو ناجوانمرد است؛ مروت ندارد. روایت از امیرالمؤمنین(ع) است که می‌فرماید: «وَأَقْلُ النَّاسِ مُرُوَّةً مَنْ كَانَ كَاذِبًا»^۱ کسی که در بین مردم از حیث مروت و جوانمردی در پایین‌ترین مرتبه است و مردانگی و حمیت او در نهایت ضعف است، آدم دروغگوست. طبیعتاً آدمی که دروغ می‌گوید و دروغگوست، به هیچ وجه اهل جوانمردی و حمیت نیست؛ یعنی شما نمی‌توانید روی آدم دروغگو حساب کنید. کسی که دروغ می‌گوید به راحتی علقه‌ها و پیوندهای دوستی، خانوادگی و همه چیز را زیر پا می‌گذارد. یکی از خصوصیات معتادان این است که دروغ زیاد می‌گویند؛ درست است که اعتیاد یک حالت جسمی و روانی است که در شخص پیدا می‌شود ولی وقتی که دروغ زیاد می‌گوید، به هر حال به این دلیل دروغگو شده که دیگر غیرت و حمیتی در او وجود ندارد و این غیرت و حمیت او حتی نسبت به خانواده خودش هم وجود ندارد (البته در برخی افراد کمتر و در برخی بیشتر).

ویژگی چهارم: دورویی

چهارم، دورویی است. در آیه ۱ سوره منافقین خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ»، وقتی منافقان نزد تو می‌آیند می‌گویند ما شهادت می‌دهیم که یقیناً تو رسول خدا هستی؛ خدا که می‌داند تو رسول او هستی ولی خدا شهادت می‌دهد که منافقان دروغگو هستند و به گفته

۱. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۵۹، ح ۲۱.

خودشان ایمان ندارند. اینکه خداوند تبارک و تعالی منافقین را به این وصف آراسته، یعنی کأن نفاق و دروغگویی لازم و ملزوم هستند؛ یک جلوه‌ای از نفاق، دروغ است و اصلاً اینها از هم جدا شدنی نیستند. به خاطر همین است که پیامبر(ص) می‌فرماید: «الْكَذِبُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النِّفَاقِ»، درست است که کذب باب همه پلیدی‌هاست و کلیدی است که همه پلیدی‌ها با آن باز می‌شود، اما اینکه دروغ را کلید نفاق و دورویی قرار می‌دهد، این یعنی به طور خاص از ملازمت و همراهی و پیوند این دو حکایت می‌کند. آدم دروغگو دوروست؛ شما یک آدم دروغگو را پیدا نمی‌کنید که صاف باشد؛ برای اینکه خود را حفظ کند ناچار است که دورویی کند؛ وقتی که به شما دروغ می‌گوید که من مثلاً برای شما فلان کار را کرده‌ام، برای اینکه این دروغ حفظ شود ظاهرش و معلوم نشود که دروغ است، ناچار است که دورویی کند و آن وقت این دورویی‌ها در ادامه در یک جایی گندش آشکار می‌شود.

پس انسان دروغگو دارای چهار ویژگی می‌شود که به خاطر آنها هیچ کسی حاضر نیست او را تحمل کند. اگر عمق دروغ معلوم شود، حقیقت دروغگو آشکار شود و بدانند که دروغگویی چه مفاسدی به دنبال دارد، هم انسان از دروغ متنفر می‌شود و هم دیگران از دروغگو متنفر می‌شوند. ۱. پستی و بی‌شخصیتی، حقارت، این با عزت نفس انسان سازگار نیست؛ ۲. بی‌عقلی و کم‌خردی؛ ۳. ناجوانمردی و بی‌غیرتی؛ ۴. دورویی، چهار بُعد شخصیت دروغگو هستند. دروغ یک آثاری دارد؛ هم آثار دنیوی و هم آثار اخروی. آثار دنیوی‌اش هم مادی و هم معنوی است. ان شاء الله این را در جلسه آینده توضیح خواهیم داد و وارد بحث بعدی می‌شویم.

«والحمد لله رب العالمین»